

مرکز "اسلامی" یا پایگاه تروریستی

به سلسله ی اخبار و گزارشهای نا هنجاری که از درون کشور مصیبت زده یی بنام افغانستان، پیوسته به بیرون میرسد، یکی دیگر هم، برنامه ی فساد برانگیز رژیم وهابی عربستان سعودی مبنی بر ایجاد یک پایگاه مطمئن طالب سازی و تروریست پروری، اینبار در قلب شهر باستانی کابل، ظاهراً بنام "مرکز اسلامی"، آنهم به اسم ملک عبدالله است.

درقبال چنین یک اقدام خطرناک، گفته شده که این مرکز به اصطلاح اسلامی که به مصرف بیشتر از یکصد ملیون دالرامریکایی و در یک ساحه ی بسیار بزرگ یکصد و شصت جریب زمین، آنهم بالای تپه ی باستانی "مرنجان" بنا میشود، در منطقه، "بی نظیر" خواهد بود وشایقان موردینی و مذهبی را از رفتن و تحصیل کردن به مدارس پاکستانی بی نیاز خواهد ساخت.

هرچند در این مورد خاص، گفتنی ها به حدی است که درواقع، نگارش اثر جداگانه یی را می طلبد، با آنهم، مدتی قبل مقاله ی فشرده یی را زیر عنوان "دشمن پنهان ملت افغانستان"، نوشتم که از ورأ صفحات نشریه ی وزین "گفتمان" به نشر رسید. وحالا که یک بخش دیگر توطئه های خونین رژیم سعودی علیه ملت و مملکت عزیزما رسماً آشکار شده است، میخواهم نکات برجسته و ضروری را درقبال "مرکز اسلامی ملک عبدالله" که قرار است بر گرده ی مردم رنج کشیده ی ما اعمار شود، نشانی کنم تا رفع مسوولیت وجدانی و تاریخی کرده باشم:

اول) بنای این مرکز پُرخرچ و ظاهراً "بی نظیر" توسط عربهای وهابی، به هیچصورت انگیزه ی صرفاً دینی و خیر خواهانه نداشته، بلکه در حقیقت امر، یک پروژه ی کاملاً سیاسی-ایدئولوژیک میباشد.

دوم) درشهرکابل، شهری که از یکطرف صدها مسجد خورد و بزرگ را در آغوش خود جا داده و نیاز نمازگزاران را رفع نموده اند، از سوی دیگر، هزاران هزارانسان گرسنه و پابرنه و بیکار و بی سرپناه، همین اکنون چشم به گمک و دستگیری انسانی و عاطفی ثروتمندان دارند، ایجاد "مرکز اسلامی" ملیونها دالری نه تنها کوچکترین ثوابی درقبال ندارد که از زمره ی بزرگترین گناهان بشری نیز بحساب میرود.

سوم) اعمارچنين مرکز بزرگ ظاهرأ اسلامی، درواقع، تکیه گاه و پرورشگاه مطمئن افکار و اندیشه های خطرناک مذهب وهابی علیه مذهب اهل تشیع درافغانستان و منطقه بوده نتیجه ی خونین و تأسف بار تقابل مذهبی را در قبال خواهد داشت.

چهارم) از موجودیت این مرکز به اصطلاح اسلامی، باز هم حکومت پاکستان و شبکه ی استخبارات ارتش آن کشور، با فرستادن صد ها عنصر جاسوس و طالب و تروریست، در جهت پیشبرد مقاصد تروریستی و ضد افغانی شان استفاده خواهند نمود، همانسان که از موجودیت مکاتب " رحمان بابا " و " خوشحالخان ختک " در دوران زعامت (ظاهر - داوود) در کابل، استفاده ی بزرگ سیاسی و استخباراتی بعمل آوردند که مردم ما، نتایج تلخ آنرا در وجود کودتای هفتم ثورو پس از ان، عملاً لمس کردند.

پنجم) ایجاد چنین یک کانون پُرفساد سیاسی نمیتواند بیانگر هدف یا اهداف ستراتژیک (عربستان - پاکستان - انگلیس) نباشد. چون طراح اصلی و اولی مذهب جدید وهابیت باز هم وزارت مستعمرات انگلیس در قرن هجدهم میلادی بود، بنابراین، ترویج و گسترش این مذهب خونریز در منطقه و جهان نیز هدفهای انگلیسی و استعماری را بر آورده خواهد ساخت.

البته در آینده، تماسهایی با پدیده ی وهابیسیم، منشأ، مقصد و خطرات آینده ی آن خواهیم داشت و اما طی همین نبشته، آشکارا باید گفت که چون تفاهمنامه ی مربوط به اعمار این پایگاه تروریستی و اعطای یکصدو شصت جریب زمین، ملکیت ملت افغانستان در ساحه ی سبز شهر کابل برای عربها، در دوران زعامت حامد کرزی صورت میگیرد، بنابراین، مسوولیت تاریخی، اجتماعی و سیاسی ناشی از ان، در قدم اول، بدوش وی سنگینی خواهد کرد، مگر آنکه با در نظر داشت ظرافت های سیاسی، منافع دراز مدت ملت افغانستان و درک بموقع خطای سیاسی اش، هرچه زودتر این تفاهمنامه ی خطرناک را ملغی اعلام نماید.

هم میهنان گرامی! بیاد داشته باشید که افغانستان معاصر، نه تنها در دهه های اخیر، میدان رقابتهای خونین ژئوپولیتیک و ژئو واکونومیک قدرتهای بزرگ جهان قرار گرفته، بلکه به میدان رقابت های ایدئولوژیک، بخصوص، بمثابه ی لابراتوار فعالیتهای اسلام سیاسی نوچه های استعمار جهانی نیز مبدل شده است.

بنابراین، اگر هرچه زود تر بخود نیاییم، متحد نشویم، فریاد های اعتراضی و افشاگرانه ی مان را بلند نکنیم و مشت محکم به دهن دشمنان عربی و عجمی مان نکوبیم، دیری نباشد که دستان نا پاک استعمار، از مردم و مملکت محبوب ما، معجون مرکب فاقد ارزش ها و اصالتهای دینی و تاریخی و افغانی بسازند و آنگاه بسیار دیر خواهد بود!

امید که این سخنان مختصر، زنگ خطری شود بگوشهای هموطنان و حکومت مداران افغانستان.